

# «بحران هویتی»

عامل اصلی ناهنجاری اجتماعی در موضوع

## حجاب و عفاف

برگرفته از مباحث پژوهشی مرحوم علامه آیت الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی و

مرحوم حجت الاسلام و المسلمین استاد مسعود صدوق

تیرماه ۱۴۰۱



واحد خواهران حسینیہ اندیشہ



واحد خواهران حسینیہ اندیشہ

سرپرست واحد خواهران: ۰۹۱۲۵۵۱۰۶۸۹

 Khaharanhosseiniehandisheh

<https://hosseiniehandisheh.ir>

 @HossinieAndisheh

ارتباط از طریق پیام‌رسان‌ها: ۰۹۱۹۸۲۸۶۹۶۴

مسئله حجاب و عفاف از جمله مسائلی است که از ابتدای انقلاب مورد توجه فعالان فرهنگی قرار گرفته و راهکارهای متعددی برای کنترل بدحجابی مطرح و اجرایی شده است که عمدتاً بر پایه بالا بردن اطلاعات و آگاهی جوانان و بانوان نسبت به امر مهم پوشش، فوائد اجتماعی و آثار آن و در نهایت بیان احکام الهی پیرامون عذاب اخروی بی حجابی است و یا برخورد فیزیکی و قانونی و استفاده از نیروی انتظامی برای کنترل وضعیت جامعه و برخورد با بی حجابی!

اما چه شده است که در طول چهل سال علی‌رغم این حجم از توجهات، هر روز شاهد کم‌رنگ شدن این ارزش انسانی-الهی هستیم؟! در اینجا بنا نداریم به علت‌هایی که مکرراً بیان شده است و مدتی محور مانورهای عملیاتی می‌شود، پردازیم، بلکه با یک بررسی دقیق خواهان روشن شدن زوایای اصلی و حاکم بر وضع موجود جامعه می‌باشیم تا در این فضا و شرایط بتوانیم علت اصلی بی حجابی و راهکارهای خروج از وضعیت فعلی را معلوم نماییم.

### ۱. بحران هویتی ناشی از حاکمیت ساختارهای نظام سرمایه‌داری و سرگردانی هویتی زنان در کشور

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین ریشه ناهنجاری اجتماعی در موضوع حجاب و عفاف، «چالش‌های هویتی» زنان و دختران جامعه ما است که از ساختارهای حاکم بر فرهنگ کشور ناشی شده است. چکیده این سرگردانی هویتی عبارت است از: «از یک‌سو ساختارهای نظام سرمایه‌داری حاکم بر کشور، هویت اجتماعی برای زنان را مشارکت و مؤثر بودن در تولید ثروت به واسطه تحصیل و اشتغال مادی معرفی می‌کند و در مقابل، فرهنگ سنتی قائل به تعریف جایگاه اجتماعی الهی برای زن نبوده و وظایف عبادی و معنوی او را به محیط خانواده محدود می‌کند، آن هم ذیل روابط مادی و سلطنتی حاکم بر مردان».

در توضیح این بحران هویتی باید توجه داشت پس از رنسانس، ماهیت نظام‌های اجتماعی تغییر کرده و به تبع آن، منزلت زن و مرد نیز دچار دگرگونی شده است. در این تحول بنیادین - که در اکثر کشورها پیاده شده و در ساختارهای نظام جمهوری اسلامی نیز جریان پیدا کرده است - به صورت طبیعی، هویت زن و مرد در یک نظام آموزشی و اشتغالی شکل می‌گیرد. به این صورت که هر فرد باید از بدو تولد تا ۷ سالگی در مهدکودک‌ها حضور پیدا کرده و پس از آن در یک دوره ۱۲ ساله تحصیلی در نظام آموزش و پرورش قرار می‌گیرد و سپس با گذراندن دوره تکمیلی آموزشی در مقطع لیسانس یا فوق لیسانس و یا دکتری با محتوایی مناسب با ورود به بازار کار و اشتغال اقتصادی مواجه می‌شود. با پذیرش این روند در «ساختارهای نظام»، هویت جوان امروزی به «تحصیل و اشتغال مادی» تعریف می‌شود. زیرا در فرهنگ مدرنیته انسان اعم از زن و مرد به انسان اکونومیک تعریف می‌شود و هویت آن به نیاز و ارضاء مادی وابسته است. در نتیجه، عقلانیت مرد و عواطف زن باید به گونه‌ای به کار گرفته شود که قدرت خرید، افزایش پیدا کند و راه دستیابی به قدرت خرید بالاتر، حضور در جامعه و اشتغال به تحصیل و ورود به بازار کار است.

وقتی غرض در جوامع غربی از روابط اجتماعی و زندگی انسان‌ها با یکدیگر، ثروت و بهره‌مندی‌های مادی، توسعه شهوات و امیال باشد، طبیعتاً نیاز انسان‌ها به یکدیگر نیز به نیازهای مادی تعریف می‌شود یا به تعبیر بهتر «حاکمیت» نیازهای مادی بر

نیازهای تکامل الهی، حاصل خواهد شد. در این حالت ملاک برای تولید ثروت و کالا، زن یا مرد بودن نیست و هر دو باید برای تولید و اشتغال حاضر باشند. اگر قرار باشد هر کدام در تولید ناخالص حضور حداکثری داشته باشند دیگر «قاعده‌مندی ارتباط» متناسب با «تولید ناخالص ملی» و متناسب با اینکه چقدر توانسته‌اند در رشد کشور سهم باشند، کلاسه‌بندی می‌شود.

به همین جهت شاهد هستیم که زن در همه مشاغل حضور یافته و ایفای نقش می‌کند؛ چه در بخش تولید و چه در بخش توزیع و مصرف. از بیمارستان‌ها گرفته تا اداره‌ها، کارگاه‌ها و صنایع، کارخانه‌جات، شرکت‌ها، مغازه‌ها و مراکز تجاری و... از وارد شدن در کار تولیدی گرفته تا فروشندگی و ورود در فعالیتهای توزیعی. لذا زنان نیز بنابر تساوی جنسیتی باید در اشتغال و تولید ثروت سهم بوده و در این مسابقه تولیدی هم‌پای مردان در فضای تحصیل و اشتغال مادی دوندگی باشند. اما قطعاً به دلیل ضعف قوای جسمی و مسئولیت‌های سنگین همسری و مادری نمی‌توانند در این میدان مسابقه پیروز شوند. از این رو، ساختارهای حاکم بر جامعه، زن را مجبور می‌کند تا شاخصه و توانمندی اصلی خود را که عواطف و احساسات زنانه و جمال ظاهری و زیبایی اوست وارد گود رقابت کند؛ به این امید که شاید بتواند فاصله را تا برنده مسابقه کاهش دهد. در واقع عدم توجه به تفاوت‌های جنسیتی باعث تحقیر اجتماعی زنان می‌شود که برخی از زنان برای جبران این تحقیر و دیده شدن اجتماعی، به تبرز و جلوه‌گری ظاهری می‌پردازند؛ یعنی دارایی و توانمندی که طرف مقابل فاقد آن است و در جوامع مادی خریدار دارد و چون با بنیان‌های فطری او هماهنگ نیست، تبدیل به بحران هویتی می‌شود!

به بیان دیگر در شرایطی که فضای اختلاط میان مردان و زنان امری طبیعی و عادی شمرده شده است کدام زن راحت‌تر می‌تواند با فضای کاری و جمعی خود ارتباط برقرار کند؟ زنی که محجبه است و با نامحرم حرف نمی‌زند مگر در حد ضرورت! یا زنی که به راحتی و سهولت می‌تواند با همه ارتباط برقرار کند، آن هم ارتباطی جاذب که بتواند کالایی را به خوبی بخرد یا بفروشد!

روشن است که لازمی قهری این روند، اختلاط زن و مرد است زیرا آنچه در یک شرکت، سازمان یا وزارتخانه اهمیت دارد، ارتقاء راندمان کاری است و اموری از قبیل «حجاب و عفاف» موضوعیتی ندارد و حتی در موارد بسیاری مانع محسوب می‌شود. به عبارت دیگر آنچه بر این دستگاه حاکم است، اخلاق مادی است که «تولید ثروت، تولید اطلاع و تولید قدرت» با بیشترین سرعت و کمترین زمان را دنبال می‌کند. در چنین نظامی انسانیت و کرامت انسانی نیز تابع رشد سرمایه بازتعریف شده و دیگر «عدم اختلاط و حجاب» موضوعیت ندارد. بر این مبنا احکام الهی (مانند خانواده‌محوری، عفاف، حیا، حجاب، عدم اختلاط و...) مانعی برای افزایش تولید ثروت و ارتقاء راندمان بوده و به عنوان خرده‌فرهنگ در فرهنگ دموکراسی منحل خواهند شد و از عواطف و جنسیت زنانه برای فروش بیشتر کالا، ارتقاء بهره‌وری در سیستم اداری، افزایش آراء کاندیداها و... استفاده می‌کنند. یعنی جاذبه‌های جنسی را با اهداف خود ترکیب کرده و به مردم تحمیل می‌نمایند.

این در حالی است که از منظر «جهت‌گیری نظام اسلامی» و اندیشه امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری، هویت جامعه دینی یک هویت انسانی، الهی و انقلابی است و آرمان اجتماعی به زندگی تحت لوای اسلام و پیاده‌شدن احکام و برنامه‌های آن

تعریف می‌شود. اما با فقدان مدل و الگوی اداره متناسب با آرمان‌ها و اهداف انقلاب، نظام مبارک جمهوری اسلامی نیز به مدل‌های سرمایه‌داری و ساختارهای مدرن و سبک زندگی برآمده از آن مبتلا شده است. ساختارهایی که بر مبنای تساوی منزلت اجتماعی زن و مرد طراحی شده و موجب می‌شود اشتغال و کسب مناصب اجتماعی و حضور مادی در جامعه، به رکنی برای هویت زنان تبدیل گردد.

## ۲. عدم ملاحظه منزلت اجتماعی الهی برای زنان در فرهنگ سنتی و انحصار وظایف آنها به خانواده ذیل روابط مادی حاکم بر مردان

در توضیح چالش دوم باید گفت در جامعه سنتی ایران که دین سهم تأثیر بالایی دارد، خانه، خانه‌داری و همسری و مادری یک امر ارزشی است ولی چون وظیفه‌ی زن محدود به خانواده و ذیل ولایت مرد (به معنای «مولویت») که با سلطنت و پادشاهی هم‌معنا بوده؛ نه «خلافت» که برگرفته از مقام خلیفه الهی است) تعریف شده و نفقه نیز با عاریه از ساختارهای غربی به صورت مادی معنا می‌شود، زن از ناحیه‌ی نفقه نیز تحت منت مرد قرار گرفته و خانه‌داری او بی‌ارزش شمرده می‌شود. در این دیدگاه زن همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در «جامعه و تاریخ» است. لذا زن به دلیل محدود شدن در خانه و خانواده از طرف جامعه مورد تحقیر قرار می‌گیرد و این شرایط نیز به گونه‌ای دیگر او را دچار بحران کرده که برای خروج از این بحران، مجبور است در پازل وضعیت موجود قرار گیرد. یعنی همان تحصیل و اشتغال و مولد ثروت بودن برای نظام اقتصادی مادی که خود امری بحران‌زا است. بنابراین فرهنگ سنتی به دلیل عدم ترسیم هندسه جدیدی از مشارکت اجتماعی و انقلابی زنان در عرصه‌های مختلف کشور باعث شده هویت تحصیل و اشتغال مادی که تحت حمایت نظام سرمایه‌داری دارای ساختار بوده و قاعده‌مند است تنها راه احساس کرامت و ارزشمندی برای زنان باشد.

در این شرایط، زنی که در روابط سنتی موجود احساس بی‌ارزشی اجتماعی کرده است، یا به طور کلی انزوا گزیده و خود را محدود به خانه می‌کند که بیم درگیر شدن در تجمل‌گرایی و مصرف نامتعارف برآمده از الگوی مصرف مدرنیته می‌رود و یا به دنبال دیده شدن و تأثیرگذاری خواهد بود و برای دیده شدن با دارایی خاص خود یعنی زیبایی و جمال ظاهری جلوه‌گری می‌کند. یعنی در این شرایط نیز زن برای هویت‌یابی به تبرز و خودنمایی مادی روی می‌آورد.

با این توضیحات می‌توان گفت زنان و دختران جامعه‌ی ما در چالش هویتی ناشی از فضای حاکم بر فرهنگ کشور سرگردان هستند.

البته لازم به ذکر است که چالش‌های ذکر شده در مقایسه با خلاءها و مطلوبیت‌هایی است که می‌بایست زن مسلمان انقلابی به آن نظر داشته باشد، وگرنه به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی با مجاهدت‌های حضرت امام خمینی (ره) اکثر مردم ایران، «هویتی انقلابی» پیدا کرده‌اند، هر چند که ساختارهای متناسب با آن ایجاد نشده باشد اما به دلیل این هویت انقلابی و الهی در زنان ایران، بحران هویتی و تحقیر اجتماعی در ایشان به مراتب کمتر از زنان غربی است. در ایران، زن در منزلت و جایگاه مادر و همسری مؤمن و متدین قرار دارد که این جایگاه، از طرف ساختارهای نظام سرمایه‌داری مورد هجوم قرار گرفته و لازم است با ارتقای سطح فهم از دین، منزلت اجتماعی و انقلابی نیز برای او تعریف شود. در این صورت است که همانند دوران

انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس با سربلندی بیشتر و با همتی والا به نقش‌آفرینی برای نظام اسلامی و ولایت‌فقیه می‌پردازد و دسته‌دسته بانوان با میل و رغبت بیشتر به احکام الهی همچون حجاب روی می‌آورند. در واقع در دوران انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، عرصه‌ای برای احساس حضور و مشارکت انقلابی زنان ایجاد شد. در حال حاضر نیز که به تصریح مقام معظم رهبری اصلی‌ترین هجمه به نظام اسلامی در عرصه اقتصاد است باید هویت عینی و کاربردی در این درگیری برای بانوان تعریف شود تا همانطور که در عرصه سیاسی با پیشرانی مادران شهدا، وظیفه خود را به خوبی انجام دادند، در جنگ اقتصادی نیز به خوبی نقش‌آفرینی کنند. البته مشارکت در جنگ اقتصادی وابسته به مراتبی از تحلیل و تبیین ساختارهای اقتصاد جهانی است. در این صورت، چگونگی مقابله با ساختارهای تمدن غربی روشن خواهد شد، همان مقوله‌ای که در عبارات مقام معظم رهبری به «جاهلیت مُدرن» تعبیر شده است. بر این اساس اموری مانند تغییر الگوی تولید سرمایه محور و شکستن الگوی مصرف غربی مطرح خواهد شد. این امر می‌تواند مبنای طراحی برای جهاد تبیین قرار گیرد و ایجاد هویتی الهی و انقلابی برای زنان در مؤسسات نخبگانی و نهادهای انقلابی و حرکت‌های مردمی را در پی بیاورد و زمینه برای ایفای نقش بانوان در عرصه اقتصادی را مهیا کند.

۳. باز تعریف معنای «حجاب» بعد از انقلاب به «لباس زن مؤثر در ایجاد حکومت و تمدن اسلامی»؛ علت هجمه تمدن غربی به حجاب زن ایرانی

در این راستا باید توجه کرد که زمانی دین در مقیاس تمدنی و حاکمیتی مطرح نشده بود و تمدن مادی به او و تمامی مظاهرش به‌عنوان خرده‌فرهنگ نگاه می‌کرد. همانند قبل از انقلاب که اسلام را مدعی تمدن نمی‌دیدند و مظاهر اسلام چون حجاب را همانند لباس سنتی زن‌های ژاپنی قلمداد می‌کردند. ولی وقتی اسلام با عملکرد امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری و همیاری مردم انقلابی ایران در عرصه‌های «سیاسی، امنیتی و دفاعی»، به‌عنوان مدعی تمدن جدید مطرح گردید، نظام غربی احساس تقابل تمدنی کرده و در این راستا نوع مقابله‌اش با هر یک از مظاهر دینی، مقابله همه‌جانبه است.

در این تقابل و درگیری تمدنی، اهمیت دادن به هر حکم دینی به‌مثابه بلند کردن پرچم موضوعی است که می‌خواهد سطح حضور دین را در ظرفیت تمدن‌سازی ارتقا دهد. در چنین فضایی تعریفی جدید از ارتباطات اجتماعی با کلاسه‌بندی جدید که قادر به سرپرستی همه موضوعات اجتماعی باشد، نوعی «نشانه» ارتقا حضور دین خواهد بود. لذا گرچه تا قبل از انقلاب احکام الهی مانند حجاب را به‌عنوان خرده‌فرهنگ می‌دیدند که در فضای مادی قابل انحلال بود اما اکنون احساس می‌کنند که در مواجهه انقلاب اسلامی با هویت تمدنی غرب، همه این موضوعات از جمله حجاب مظهري از آن تمدن می‌شود.

بنابراین در ادامه حرکت انقلاب، تمام مظاهر اسلامی را که تهدیدی برای خود بینند، ممنوع خواهند کرد. حتی نمازخواندن! اگر در حال حاضر اقامه نماز و ساخت مسجد در دیگر کشورهای دنیا را مجاز می‌دانند به این علت است که ربط اقامه نماز با تمدن را متوجه نشده‌اند و مسجد را تهدیدی برای خود نمی‌بینند. اما به میزانی که هر فعلی، مؤثر در اقامه تمدن دینی باشد، در مقابلش می‌ایستند!

## ارائه راهکارهای پیشنهادی برای کاهش بدحجابی

### ۱. تعریف رابطه مقنن بین زن و مرد در هماهنگی با وضعیت فعلی جامعه و الگوی مشارکت نظام سرمایه‌داری

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری قسمت اول این بیانیه، باید گفت: به هر میزان که در جامعه‌ای اشتغال مادی برای بانوان دغدغه اصلی شود، مطمئناً به همان میزان پذیرش حجاب شدیداً کم می‌شود! زیرا تمایلات به سمت مدل غربی سوق پیدا می‌کند و این مدل، اقتضانات فرهنگی خاص خود را دارد و دارای قواعد ارتباطات متفاوتی نیز می‌باشد. مدل اداره «توسعه همه‌جانبه و پایدار» غربی و نظام اقتصاد ربوی، سبب تحمیل فرهنگ شکسته شدن رابطه‌های شرعی، توسعه فحشا و بدحجابی بر جامعه ما شده است و تا دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، در گام اول باید برای جلوگیری از توسعه فحشا، رابطه مقننی بین زن و مرد تعریف کرد. رابطه‌ای که با وضعیت فعلی جامعه که جریان الگوی سرمایه‌داری و مدیریت مشارکت همه‌ی اراده‌های انسانی در سیستم تأمین درآمد نظام است، هماهنگی داشته باشد و بتواند ناهنجاری‌های ناشی از این نحوه مدیریت مشارکتی مادی در خانواده و جامعه مذهبی را تا حدودی کنترل کند.

### ۲. تبیین رابطه حجاب و عزت‌مندی زن محجبه با مشارکت در ضربه زدن به مظالم عالم و کمک به ساختارسازی اجتماعی برای تمدن اسلامی

قبل از توضیح و تبیین گام دوم، باید توجه داشت چادر مشکی زن متعلق به جمهوری اسلامی، در هر کجایی از دنیا صرفاً نماد حجاب نیست، بلکه نماد گفتمان درگیری تمدنی اسلام با غرب است. اگر جامعه نخبگانی توانست برای بانوان، این سطح از عزت را معنا کند که حجاب او چه ضربه‌ای به مظالم عالم وارد کرده و چه عزتی را برای پرچم اسلام ایجاد می‌کند، مسلماً رویکرد مجددی به سمت حجاب در بین زنان و دختران جوان اتفاق می‌افتد؛ رویکردی همانند اول انقلاب در مبارزه با رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی. متأسفانه رفتار بخش فرهنگی ما برای تمایل به حجاب چنان است که گویا تسبیحی به دست مردم داده که مرتباً بگویند حجاب، حجاب، حجاب! اما اینکه حجاب چگونه از توسعه اسلام در درگیری با توسعه کفر صیانت می‌کند، هزاران بیان لازم دارد که ما از آن غافل مانده‌ایم. اگر هر زن ایرانی بداند که با حجابش چگونه می‌تواند به ساختارهای اجتماعی اسلامی برای حکومت و تمدن اسلامی کمک کند، دیگر لازم نیست که او را با قانون، ملتزم به حجاب کرد! در این صورت است که زیبایی فکری و روحی زن نیز جلوه خواهد کرد؛ زیرا زیبایی زن، منحصر به زیبایی ظاهری نیست بلکه زیبایی فکری و روحی و عاطفی اوست که زن را ارزشمند می‌کند که متأسفانه برای این جمال عاطفی در جامعه مذهبی تعریفی ارائه نشده است و این جایگاه خلاء تعریفی است که پرداختن به آن، زمینه تعریف هویت جدیدی بر محور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب ایجاد می‌کند، همان هویتی که نمونه عینی آن را مادران شهدا به رهبری امام راحل در انقلاب و جنگ تحمیلی به رخ جهانیان کشیدند. هویت اجتماعی بر پایه «ایثار و فداکاری در مسیر اقامه دین و درگیر شدن با مظالم جهانی!»

۳. تعریف نقش اجتماعی «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» زنان در سازمان‌های خاص زنانه به جهت ارتقاء جایگاه آنان در موازنه‌ی قدرت اجتماعی و جلوگیری از اختلاط

با این توضیحات، در گام دوم باید بتوان نقش اجتماعی متفاوتی برای زنان در عرصه‌های «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» در قالب «سازمان خاص زنان» تعریف کرد تا هم در موازنه‌ی قدرت اجتماعی، ارتقاء جایگاه پیدا کرده و زمینه‌ی رشد بالاتری برای آنان ایجاد نمود؛ به گونه‌ای که مسابقه‌ی مشارکت در پیشبرد اهداف نظام و آرمان‌های انقلاب بین زنان ایجاد شود و هم از اختلاط جلوگیری شود.

در تاریخ نیز دیده می‌شود که زنان با حضرت علی بن ابیطالب (ع) بیعت می‌کردند حتی اگر همسرشان بیعت نکرده باشند. این امر به این معنا است که زنان باید به طور مستقل در عرصه سیاست حضور داشته باشند و حضور اجتماعی سیاسی آنان همچون احکامی مانند نماز و روزه و احکام فردی واجب می‌باشد. همچنین زن حق مالکیت مستقل دارد و مالکیت و مدیریت مهریه و ارث و ... گویای این ادعاست. همچنین می‌بینیم حضرت زهرا (س) مالک فدک بوده و مدیریت آن را به عهده داشتند. این موضوع بیانگر این مطلب است که زنان باید در عرصه اقتصاد نیز حضور داشته باشند. یعنی زن هم می‌تواند و هم باید در جامعه‌ی دینی مشارکت اجتماعی داشته باشد. البته مشارکتی که بر مبنای «ایثار و فداکاری» تعریف شود، نه مشارکت مادی و ثروت‌محور! و همانطور که دارایی‌های شخصی زن ذیل اراده مرد تعریف نمی‌شود، به طریق اولی استقلال «روحی، ذهنی» زن نیز امری غیرقابل انکار است و باید برای پرورش آن در جهت اصلاح و ارتقاء ساختارهای فرهنگی و توسعه نظام اسلامی و مقابله با ظلم، محیط‌سازی کرد تا علاوه بر نقش ممتاز او در خانواده به عنوان سلول اولیه جامعه با تولید انسان‌های اخلاق‌مدار بتواند در اقامه حق، عدل و قسط در جامعه ایران و جامعه جهانی مشارکت داشته باشد.

به بیان دیگر زنی که دارای هویت انقلابی باشد و نقشی در حفظ نظام اسلامی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی اما به دور از اختلاط داشته باشد همانند زنان دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که در عرصه سیاسی حاضر بودند، از هرگونه بحران هویتی و تحقیر اجتماعی به دور است و خود را سرباز نظام اسلامی می‌داند. همانطور که در پیام مقام عظمای ولایت به کنگره هفت هزار زن شهید آمده است: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی، و در تعریف غالباً غربی، به مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز بود. می‌توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی نیز سنگر‌سازی‌های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد. زنانی که اوج احساس و لطف و رحمت زنانه را با روح جهاد و شهادت و مقاومت درآمیختند و مردانه‌ترین میدان‌ها را با شجاعت و اخلاص و فداکاری خود فتح کردند.» پس باید نقش اجتماعی زن بازتعریف شود؛ نقشی زنانه، بی‌بدیل و متناسب با ویژگی‌های فطری او!



در این صورت، همانطور که در دوران نهضت و ابتدای انقلاب «حجاب، لباس انقلاب در برابر ظلم شاه و استکبار جهانی» شد و بدون کارهای نظری و انتظامی اکثر زنان ایران با علاقه محجبه شدند، امروز نیز می‌توان در مقابل بحران هویتی موجود، «هویت انقلابی» جدید و نقش زنانه و بی‌بدیلی را در جامعه تعریف کرد که با ارتقاء وضعیت «روحی، ذهنی و عینی» آنان، در حفظ و تعمیق و بالندگی نظام اسلامی و درگیری با نظام سلطه مشارکت داشته باشند. در این صورت «حجاب، نماد و لباس انقلاب در برابر ساختارهای تمدن غرب و جاهلیت مدرن» خواهد شد و همانند ابتدای انقلاب، در شرایط کنونی نیز می‌توان فضای بی‌حجابی را کم‌رنگ کرد.